

بازنمایی هویت ملی در کتاب‌های فارسی مقطع دبستان

* علیرضا ازغندی

E-mail: Alirezaazghandi@yahoo.com

** غلامرضا محمدی مهر

E-mail: R43mehr@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۷

چکیده

در این مقاله، مؤلفه‌های هویت ایرانی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بررسی شده‌اند. هدف شناسایی میزان پرداختن به هویت ملی، دینی (اسلامی)، مذهبی (شیعی) و محلی در این کتاب‌ها بوده است. روش تحقیق تحلیل محتوا و حجم نمونه ۲۴۶ مطلب درسی و ۵۱۸ عکس در کتاب‌های اول تا ششم مقطع ابتدایی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ۶۱ درصد از کل مطالب و ۵۲/۱ درصد عکس‌ها، مؤلفه‌های هویتی وجود دارد. از این میزان در ۵۱/۴ درصد مطالب، مؤلفه‌های هویت ملی و در ۴۳/۳ درصد مؤلفه‌های هویت دینی (اسلامی) برجستگی داشته‌اند. همچنین ۵۰/۷ درصد از عکس‌ها مرتبط با هویت دینی (به ویژه پوشش اسلامی) و ۳۴/۸ درصد مرتبط با هویت ملی بوده‌اند. گرچه سطوح هویتی بین هویت‌های خرد و کلان رعایت شده است، ولی پرداختن به هویت محلی بسیار ناچیز است.

کلید واژه‌ها: هویت ایرانی، هویت دینی، هویت محلی، بازنمایی، کتاب‌های فارسی ابتدایی.

* استاد گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، نویسنده مسئول

مقدمه و طرح مسأله

سیستم و متون آموزشی رسمی هر کشور، تعمیق و اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای حاکم و به تعبیری هویت و فرهنگ جمعی را در چارچوب مرزهای ملی به عهده دارد. از منظر آموزشی، تمامیت هویت و فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و جامعه‌پذیری در ابعاد مختلف آن، تحقق می‌یابد و در سنین پایین‌تر یعنی مقطع ابتدایی، با توجه به گیرایی ذهنی کودکان، این فرایند اثر عمیق‌تری بر این گروه سنی برجای می‌گذارد و چه بسا تمام عمر انسان را تحت‌الشعاع قرار دهد. یکی از مفاهیم و مؤلفه‌هایی که کودکان و نوجوانان به تدریج از طریق متون درسی با آن آشنا می‌شوند، شناخت و آگاهی از خود و جامعه است؛ مفهومی که در عین حال تمایز فرد و اجتماع را از دیگران باعث می‌شود. از منظر جامعه‌شناختی، این نوع از شناخت و احساس تعلق همراه با آن، در چارچوب مفهومی هویت قرار می‌گیرد و یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت جمعی، هویت ملی و به تعبیر کلی‌تر، هویت ایرانی است که مقصود از آن مجموعه ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی یا تاریخی، فرهنگی، حماسی و قومی است که خاص مردم ایران زمین است (منصوری و فریدونی، ۱۳۸۸: ۲۸).

گرچه درباره ابعاد و لایه‌های هویت ایرانی اتفاق نظر وجود ندارد، ولی اغلب اندیشمندان بر چند مؤلفه اساسی تأکید دارند. از جمله حمید احمدی، «هویت‌های فرهنگی، دینی، قومی و ملی» را مشخص ساخته است (احمدی، ۱۳۸۸: ۶). همین عناصر و مؤلفه‌ها، در مطالعات بسیاری، در قالب تعبیر مختلف، کاربرد داشته است. آشنا و روحانی در مطالعه خود، زبان، دیانت، تاریخ، حافظه فرهنگی، جغرافیای فرهنگی و نظام اجتماعی، از مؤلفه‌های اساسی و مهم در شکل‌گیری، حفظ و تحول هویت فرهنگی ایرانیان شناخته‌اند و هویت محلی را از عناصر و لایه‌های جغرافیای فرهنگی برشمرده‌اند (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). در این میان آنچه حائز اهمیت است، رعایت تعادل در انعکاس سطوح هویتی است یعنی هویت‌های ملی، دینی، مذهبی و محلی با توجه به سهمی که در تشکیل هویت کلان ایرانی دارند، مورد توجه قرار گیرند. باید توجه داشت گروه‌های زبانی و محلی در ایران ملیت‌های غیرایرانی مهاجر نبوده‌اند، بلکه «بخش‌های جداناپذیر جامعه بزرگتری بوده‌اند که در آن گروه‌های مذهبی - زبانی بسیاری طی صدها سال در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند و طی این مدت، تجربیات تاریخی و میراث فرهنگ واحدی به دست آورده‌اند.» (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۱).

علاوه بر بُعد آموزشی، متون درسی به انتقال معانی و پیام نیز می‌پردازند و همچون یک رسانه، و به تعبیر دقیق‌تر تولید رسانه‌ای، عمل می‌کنند و به همین جهت، آنچه از این طریق بازنمایی و به تصویر کشیده می‌شود، اهمیت متون درسی را مضاعف می‌سازد. بنابراین مسأله این است که متون درسی کدام یک از ابعاد هویت ایرانی را به تصویر می‌کشند. در میان کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی، کتاب‌های فارسی نقش به‌سزایی در انتقال مفاهیم فرهنگی و هویتی دارند؛ چرا که از سویی محور اساسی هویت ایرانی یعنی زبان فارسی را آموزش می‌دهند و از سوی دیگر قالب‌های ادبی همچون شعر، داستان، ضرب‌المثل و سرود را در اختیار دارند که آموزش و انتقال مفاهیم مذکور را ماندگار می‌سازند، ابزارهایی که سایر کتاب‌ها از آن بی‌بهره‌اند. پژوهش حاضر، با هدف شناسایی میزان انعکاس عناصر هویت ایرانی در کتاب‌های درسی انجام شده است؛ این‌که کدام یک از مؤلفه‌های هویت مذکور، برجسته و کدام یک کمتر دیده شده‌اند. ارزیابی مستمر متون درسی از جمله ضرورت‌های این تحقیق است. از این روی، نتایج این تحقیق، متولیان فرهنگی را در زدودن نقاط ضعف و تقویت آن یاری می‌رساند. از دیگر ضرورت‌های تحقیق، بررسی و آزمودن برخی از نظریه‌ها است که درباره هویت مطرح شده است. این نظریه‌ها به هویت جنبه ایدئولوژیک و یکپارچه ساز می‌دهند و چندوجهی بودن آن را می‌پوشانند.

سؤال تحقیق

کدام یک از مؤلفه‌های هویت ایرانی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی برجستگی دارند؟ به تعبیر دیگر بازنمایی مؤلفه‌های هویت ایرانی در این کتاب‌ها چگونه بوده است؟

پیشینه تحقیق

منصوری و فریدونی در پژوهشی، هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی را بررسی کرده‌اند. نتایج بررسی کتاب‌های فارسی پنج سال این دوره، نشان می‌دهد مقوله‌های هویت ملی در کتاب‌های بررسی شده، تقریباً ۷ درصد کل محتوای کتاب‌ها بوده است (منصوری و فریدونی، ۱۳۸۸: ۲۷). مؤلفه‌هایی که در این پژوهش به‌عنوان مصادیق هویت ملی ایرانی بررسی شده، عبارت‌اند از: فرهنگ (آداب و رسوم، اعیاد و جشن‌های ملی)، مشاهیر و نویسندگان ایرانی، اساطیر ایرانی، هنر و معماری ایرانیان، آثار تاریخی، مفاهیم وطن‌پرستی، ادبیات ایران و تاریخ ایران (منصوری و فریدونی، ۱۳۸۸: ۳۲).

در پژوهش دیگری، شمشیری و نوشادی، میزان برخورداری کتاب‌های فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی از مؤلفه‌های هویت ملی را بررسی کرده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی است که به برخی از مؤلفه‌های هویت ملی در حد نسبتاً مناسبی پرداخته شده است که این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: بُعد دینی و بُعد سیاسی. این در حالی است که برخی دیگر از ابعاد هویت ملی، مورد غفلت قرار گرفته‌اند. ابعاد مذکور به ترتیب عبارت‌اند از: هنجارهای ملی، اسطوره‌های ملی، خرده‌فرهنگ‌های قومی، نمادهای ملی و تعاملات بین‌المللی (شمشیری و نوشادی، ۱۳۸۶: ۵۱).

فروزنده جعفرزاده، در پژوهش خود با عنوان کتاب‌های درسی و هویت ملی، پژوهش‌هایی را که تا سال ۱۳۸۸ به موضوع هویت ملی در کتاب‌های درسی پرداخته‌اند، با روش فراتحلیل، جمع‌بندی و تحلیل کرده است. براین اساس از شانزده پژوهش مورد بررسی، سه مطالعه درباره کتاب‌های ابتدایی انجام شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در دو مطالعه از مطالعات مذکور، محتوای کتاب‌های درسی نمی‌تواند نقش چندان مؤثری در شکل‌گیری و تحکیم هویت ملی، ایفا نماید. هم‌چنین میزان توجه نگارندگان و برنامه‌ریزان درس‌های دوره ابتدایی به مقوله هویت ملی (فرهنگ، مشاهیر، ادبیات، وطن، تاریخ، جغرافیا، هنر و میراث فرهنگی) کم بوده و این مقدار، ۷ درصد کل موارد بررسی شده را تشکیل می‌دهد. مطالعه سوم، کتاب‌های فارسی ابتدایی را از نظر تأکید بر مؤلفه‌های هویت ملی، مناسب شمرده و در عین حال بر وجود خلاءهایی در این حوزه اذعان دارد. دیگر محققان نیز به نتایج مشابهی از این دست، رسیده‌اند. کتاب فارسی دوره چهارم ابتدایی بیشترین تصویرهای مرتبط با هویت ملی را دارا بوده و به ترتیب، کتاب‌های فارسی دوره‌های اول، سوم، دوم و پنجم در زمینه استفاده از تصاویر در انتقال مفاهیم، در رتبه متوسط تا ضعیف قرار دارند (جعفرزاده، ۱۳۸۹: ۴۹ و ۵۰). در قسمت نتیجه‌گیری تحقیق، جعفرزاده می‌نویسد: «بیشتر پژوهشگرانی که در حوزه هویت به بحث و بررسی پرداخته‌اند، معتقدند که مؤلفه‌های ملی و دینی هویت ایرانی به دنبال زندگی مشترک و طولانی تاریخی به میزان زیادی با یکدیگر سازگاری یافته‌اند، همان‌طور که استاد شهید مطهری نیز بر آن تأکید دارند. ... بررسی پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر صورت گرفته نیز مؤید این معناست.» (جعفرزاده، ۱۳۸۹: ۵۱).

سیدضیاء هاشمی و مژده قربانعلی‌زاده، در پژوهشی با عنوان هویت ملی در

کتاب‌های مطالعات اجتماعی در دوره ابتدایی به این نتیجه رسیده‌اند که در کتاب‌های مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی، ۱۱۷۱ مورد به مفهوم هویت ملی اشاره شده است. از این مقدار تقریباً ۵۰ درصد به کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم تعلق دارد. در بین ابعاد هویت ملی، بعد ارزش‌های ملی با ۴۵/۹ درصد از بیشترین و بعد نماد ملی با ۷/۱۷ درصد از کمترین میزان فراوانی برخوردار بوده‌اند. ابعاد هویت ملی در این پژوهش عبارت‌اند از: نماد، ارزش میراث فرهنگی، مشاهیر و شخصیت‌ها، وقایع و رخداد‌های ملی (هاشمی و قربانعلی‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۹).

چارچوب نظری و مفهومی

تعریف نظری و عملی مفاهیم

تعریف مفهومی هویت: هویت عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی و فرهنگی و روانی و فلسفی و زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنی یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت کند و آن را و آنها را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد (الطائی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

هویت ملی: منظور از هویت ملی، میزان احساس تعلق و تعهد فرد به مشخصه‌های اصلی ملیت ایرانی است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۰۱). عناصر اصلی ملیت ایرانی، با تأکید بر بعد فرهنگی آن عبارتند از:

۱- میراث فرهنگی: زبان فارسی، ادبیات، موسیقی، معماری، جشن‌های باستانی، سنت‌های فرهنگی، مشاهیر ادبی و شخصیت‌های تاریخی.
 ۲- نمادهای ملی و میهن‌پرستی: پرچم، سرود و ترجیح سرزمین مادری، عشق ورزیدن به ایران.

۳- فرهنگی و روش زندگی: آداب و رسوم، تابوها و ارزش‌های اجتماعی.

۴- احساس افتخار به هویت تاریخی مشترک و دلبستگی تاریخی.

هویت دینی: منظور از هویت دینی، به معنای هویت‌یابی دینی، احساس تعلق فرد به فرهنگ و اجتماع دینی می‌باشد (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۵۴). با توجه به هویت دینی و مذهبی ایرانیان، هویت مذکور در ابعاد اسلامی و شیعی به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است: مؤلفه‌های هویت دینی عبارتند از: ۱- باورها و اعتقادهای دین اسلام شامل توحید،

معاد، نبوت و غیره، ۲- اعمال و مناسک و احکام دینی شامل نماز، روزه، حج و غیره،
 ۳- تاریخ اسلام، ۴- سیره پیامبر (ص).
 مؤلفه‌های هویت مذهبی عبارتند از: ۱- باورها و اعتقادات شامل اعتقاد به ولایت
 علی (ع) و غیره، ۲- اعمال و مناسک و احکام شامل زیارت قبور ائمه اطهار، ۳- تاریخ
 مذهبی تشیع، ۴- سیره ائمه اطهار(ع).

مبانی نظری

نظریه بازنمایی: فرهنگ لغات مطالعات رسانه‌ای و ارتباطی بازنمایی را این گونه تعریف می‌کند: «کارکرد اساسی و بنیادین رسانه‌ها عبارت است از بازنمایی واقعیت‌های جهان خارج برای مخاطبان. اغلب دانش و شناخت ما از جهان به وسیله رسانه‌ها ایجاد می‌شود و درک ما از واقعیت به واسطه و به میانجی‌گری روزنامه‌ها، تلویزیون، تبلیغات و فیلم‌های سینمایی و... شکل می‌گیرد. رسانه‌ها جهان را برای ما تصویر می‌کنند. رسانه‌ها این هدف را با انتخاب و تفسیر خود در کسوت دروازبانی و به وسیله عواملی انجام می‌دهند که از ایدئولوژی اشباع هستند. آنچه ما به مثابه یک مخاطب از آفریقا و آفریقایی‌ها، صرب‌ها و آلبانیایی‌تبارها، اعراب و مسلمانان و... می‌دانیم ناشی از تجربه مواجهه با گزارش‌ها و تصاویری است که به واسطه رسانه‌ها به ما ارائه شده است.» (واتسون و هیل، ۲۰۰۶: ۲۴۸). استوارت هال، برجسته‌ترین اندیشمند مطالعات فرهنگی، این مفهوم را صورت‌بندی کرده است.

هال، بازنمایی را به همراه تولید، مصرف، هویت و مقررات، بخشی از چرخه فرهنگ می‌داند. او در ابتدا این ایده را مطرح می‌کند که «بازنمایی، معنا و زبان را به فرهنگ ربط می‌دهد.» (هال، ۱۹۹۷: ۱۵) و سپس در ادامه بحث خود، به بسط ابعاد مختلف ایده بازنمایی (که مشتمل بر مفاهیم معنا، زبان و فرهنگ است) می‌پردازد و از خلال تحلیل‌های خود نگاهی جدید را به مفهوم بازنمایی شکل می‌دهد. مفهومی که به گفته خود هال فرایندی «ساده و سراسر» نیست.

وی برای بیان چگونگی ارتباط میان بازنمایی، معنا، زبان و فرهنگ سعی می‌کند برداشت‌های متفاوت از بازنمایی را در یک طبقه‌بندی نظری کلی بیان کند. از این منظر، نظریه‌های بازنمایی در سه دسته کلی قرار می‌گیرند: ۱- نظریه‌های بازتابی، ۲- نظریه‌های تعمیدی، ۳- نظریه‌های برساختی.

در رویکرد بازتابی، کارکرد زبان مانند یک آئینه، بازتاب معنای صحیح و دقیقاً منطبق از جهان است. حال در این باره معتقد است که به‌عنوان مثال، تصویر بصری دوبعدی از گل رز یک نشانه است و نباید آن را با گیاه واقعی یکسان دانست و نمی‌توان کلمه «رز» را هم ارز آنچه در واقعیت به‌صورت یک گیاه وجود دارد، دانست و در عین حال هم «باید توجه داشته باشیم که با گل واقعی که در باغچه می‌روید، نمی‌توان تفکر را پیش برد و عرصه تفکر نیازمند انتزاعات نشانه‌ای است.» (هال، ۱۹۹۷: ۲۴ و ۲۵).

استوارت هال رویکرد دوم به بازنمایی را که رویکرد تعمیدی (یا ارجاعی) می‌نامد این‌گونه شرح می‌دهد: «در این دیدگاه، «کلمات» معنایی را که مؤلف قصد آن را دارد، با خود حمل می‌کنند، اما این دیدگاه دارای کاستی‌هایی است. ما نمی‌توانیم تنها منبع منحصربه‌فرد و یکه معنا در ساحت زبان باشیم؛ چرا که این رویکرد زبان را به یک بازی تماماً خصوصی بدل می‌کند و این در حالی است که زبان نظامی سراسر اجتماعی است (هال، ۱۹۹۷: ۲۵).

وی رویکرد سوم را منطبق با ویژگی عمومی و اجتماعی زبان می‌داند. بر مبنای این رویکرد، چیزها هیچ معنای خودبسنده‌ای ندارند بلکه ما، معانی را می‌سازیم و این عمل را به واسطه نظام‌های بازنمایی مفاهیم و نشانه‌ها انجام می‌دهیم. برساخت‌گرایی، وجود جهان مادی را نفی نمی‌کند ولی معتقد است که آنچه معنا را حمل می‌کند جهان مادی نیست، بلکه نظام زبانی یا نظامی که ما برای بیان مفاهیم از آنها استفاده می‌کنیم، حمل‌کننده معنا است و این کنشگران اجتماعی‌اند که نظام مفهومی فرهنگ خود و نظام زبان شناختی و سایر نظام‌های بازنمایی را برای ساخت معنا مورد استفاده قرار می‌دهند تا جهان معنادار و در ارتباط با دیگران را بسازند (هال، ۱۹۹۷: ۳۴). این ساخت معنا، همان‌طور که در تعریف این واژه عنوان شد، حاصل فرایند دروازه‌بانی و انتخاب و یا به تعبیر انتقادی، برجسته‌سازی و به حاشیه راندن واقعیت‌ها است؛ فرایندی که به تعبیر هال، واقعیت‌ها برساخته می‌شوند و نمایش رسانه‌ای، هیچ‌گاه منطبق با واقعیت‌ها نیست. «ما خیلی چیزها را اساساً (یا حتی منحصراً) به واسطه رسانه‌ها و تکنولوژی ارتباطی تجربه می‌کنیم. نمایش‌ها نمی‌توانند خشتی یا شفاف باشند، بلکه سازنده نوعی واقعیت هستند.» (چندلر، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

رویکرد نظری به ابعاد هویت: حمید احمدی در کتاب بنیادهای هویت ملی ایرانی، پس از بحث مبسوطی درباره روش‌های مختلف سنتی و نوین در مطالعه هویت و تشریح انواع

هویت به بحث درباره سطوح هویتی می‌پردازد. وی سطوح هویتی را به سه سطح خرد (هویت شخصی)، سطح میانی (هویت اجتماعی) و سطح کلان (هویت ملی) تقسیم و بر ضرورت رعایت سطح تحلیل در بحث‌های هویتی تأکید می‌کند. به نظر احمدی «برداشت درست یا نادرست از انواع هویت‌ها و جایگاه و وزن آنها، در سیاست‌گذاری‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و تصمیم‌های درست یا نادرست را به دنبال می‌آورد. نکته مهم این است که نمی‌توان مقوله‌های موجود در لایه اجتماعی هویت را در برابر هویت ملی قرار داد؛ چرا که در حال حاضر و از چندین قرن پیش، دولت ملی عالی‌ترین سطح سازماندهی حیات بشری در نظر گرفته شده است. از آنجا که در درون یک کشور یا دولت ملی خاص، مذهب‌ها، زبان‌ها و ایلات و طوایف و گروه‌بندی‌های اجتماعی متعدد وجود دارد، درست‌تر آن‌که این گوناگونی هویتی اجتماعی را هم سطح هویت ملی قرار ندهیم. با توجه به این نکته مهم است که هویت ملی از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است، چرا که در اصل بر اساس سرزمین و تاریخ خاص تعریف می‌شود.» (احمدی، ۱۳۸۸: ۷۳).

ابراهیم حاجیانی، در پژوهش جامع خود، پس از بررسی نظریات اندیشمندان داخلی و خارجی درباره هویت، به جمع‌بندی و مشخص کردن مؤلفه‌های هویت ایرانی پرداخته و پس از آن به سنجش و اندازه‌گیری مؤلفه‌های مذکور در میان ایرانیان اقدام کرده است. وی هویت ایرانی را به عنوان یک برساخت ترکیبی شامل مؤلفه‌های اساسی هویت ملی، هویت دینی، هویت محلی و هویت متجدد می‌داند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۵۲) (۱).

محمد رضا تاجیک در مصاحبه‌ای با عنوان «هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» در پاسخ به سؤال چستی هویت ایرانی و واژه ملی می‌گوید: از مفهوم ملی دو برداشت به دست می‌آید: نخست این‌که ما یک گفتمان مسلط داشته باشیم. از نوعی فرهنگ استعلایی برخوردار شویم که با وجود خرده‌فرهنگ‌های گوناگون، رابطه طولی ایجاد می‌کند و اجازه نمی‌دهد صداها گوناگون در جامعه طنین‌انداز شود؛ این تک صدا، شأنیت سخن گفتن برای دیگران را هم از آن خود می‌کند. این نیز نوعی ملی‌گرایی است، گونه‌ای بحث فرهنگی است. اما ره‌آورد بعدی چگونه به مفهوم ملی میدان می‌دهد و چگونه به آن می‌نگرد؟ این نوع رویکرد، به مسأله «ملی‌نگریستن» می‌پردازد. این رویکرد از ما می‌خواهد به جغرافیای مشترک خرده‌فرهنگ‌ها نگاه کنیم. آنجا را ببینیم و ببینیم که هر جا خرده‌گفتمان‌ها در هم تنیده و همبسته می‌نمایند، همان جا بستر ملی است. این جغرافیای مشترک، چنان فضایی است که همگان در جلوه‌گری آن سهیم‌اند و به معنای واقعی کلمه،

می‌توان به آن ملی گفت. چنین گفتمان مسلطی نه با حذف دیگران که با پذیرش و حضور دیگران جان می‌گیرد و پایدار می‌ماند.» (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۰۳ و ۳۰۴).

تاجیک درباره نحوه مواجهه با چالش‌های هویت ملی معتقد است: «ما اکنون با یک ناسازه (Paradox) اساسی روبه‌رو هستیم. این ناسازه اساسی، خود را به‌صورت ناسازه وحدت - کثرت می‌نمایاند... نظر من، همان نظریه انتظام در پراکندگی یعنی قاعده‌مندی در کثرت است. ما باید کثرت را بپذیریم و در این میان همچون نخ‌در دانه‌های یک تسبیح عمل کنیم. انطباق هویت‌ها غیرممکن است. انطباق خرده‌فرهنگ‌ها میسر نیست. مستحیل کردن خرده‌فرهنگ‌ها و هویت‌های فرهنگی مستقل در یک فرهنگ استعلائی غیرممکن است و همچون یک تهدید جلوه‌گر می‌شود.» (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۰۸).

در بسط نظر تاجیک درخصوص مواجهه با چالش‌های هویت ملی، میرمحمدی جمع‌بندی آرای اندیشمندان را این‌چنین بیان می‌کند: «از میان رویکردها و سیاست‌های موجود در ادبیات سیاسی - اجتماعی، مناسب‌ترین رویکردی که می‌تواند با توجه به فضای فرهنگی - اجتماعی، سوابق تاریخی و واقعیات موجود ایران کارساز باشد، اتخاذ رویکرد وحدت در عین کثرت یا رویکرد تکثرگرایی است. لذا لازم است هویت ملی همچون خیمه یا چتری عظیم و سترگ، سایر هویت‌های قومی و خرد را زیر پوشش خود گرفته و آنان را حمایت کند (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۲۵).

روش و جامعه آماری تحقیق

روش این تحقیق، تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا روشی است که با آن به بررسی محتوای هر نوع فرآورده ارتباطی و تولیدهای رسانه‌ای پرداخته می‌شود. محتوای کتاب‌های درسی نیز به مثابه تولید رسانه‌ای، با روش تحلیل محتوا بررسی شده است. ریچارد باردن یکی از کاربردهای تحلیل محتوا را برداشتن نقاب از محور پوشیده و افکار جهت‌دهنده کتاب‌های درسی معرفی کرده است (باردن، ۱۳۷۴: ۳۲).

واحد تحلیل نیز هر یک از دروس و مطالب درسی است که در فهرست مطالب کتاب‌ها، آورده شده است. علاوه بر متن کتاب‌ها، هر یک از عکس‌ها نیز به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده‌اند.

جامعه آماری این تحقیق، تمام کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی است که وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۳ چاپ کرده است. حجم نمونه برابر با جامعه آماری و شامل ۲۴۶ مطلب درسی است. حجم نمونه در مورد عکس‌ها نیز ۵۱۸ عکس بوده

است. لازم به ذکر است که تنها عکس‌های متوسط و بزرگ بررسی شده‌اند و از بازبینی عکس‌های کوچک صرف‌نظر شده است.

تکنیک گردآوری اطلاعات

اطلاعات این پژوهش از طریق کدگذاری کتاب‌های مورد بررسی و براساس دستورالعمل کدگذاری، در برگه‌های کدگذاری به دست آمده است. پس از کدگذاری، اطلاعات حاصله وارد کامپیوتر شده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS پردازش شده‌اند. سپس یافته‌های تحقیق در قالب جدول‌های توزیع فراوانی و درصد، ارائه شده‌اند.

یافته‌های تحقیق

مطالب کتاب‌های فارسی

جدول شماره ۱، میزان مطالب مرتبط با مؤلفه‌های هویتی را نشان می‌دهد. نتایج حاصله حاکی است که در ۶۱ درصد مطالب، مؤلفه‌های هویت دیده شده و در مابقی مشاهده نشده است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی مطالب مرتبط با مؤلفه‌های هویت در کتاب‌های فارسی

میزان ارائه مؤلفه‌های هویت	فراوانی	درصد
مؤلفه‌های هویت در مطالب دیده می‌شود	۱۵۰	۶۱
مؤلفه‌های هویت در مطالب دیده نمی‌شود	۹۶	۳۹
جمع	۲۴۶	۱۰۰

براساس یافته‌های جدول شماره ۲، در مطالب مرتبط با مؤلفه‌های هویتی، هویت ملی با بیش از ۵۰ درصد بیش از سایر هویت‌ها ملاحظه شده است، پس از آن مؤلفه‌های هویت دینی (اسلامی) با ۴۳/۳ درصد، در رده بعدی قرار می‌گیرد. هویت محلی با ۲ درصد، کمترین میزان را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی انواع هویت‌ها در کتاب‌های فارسی

انواع هویت‌ها (هویت غالب در مطالب)	فراوانی	درصد
هویت ملی	۷۷	۵۱/۴
هویت دینی (اسلامی)	۶۵	۴۳/۳
هویت مذهبی (شیعی)	۵	۳/۳
هویت محلی	۳	۲
جمع	۱۵۰	۱۰۰

جدول شماره ۳، مؤلفه‌های هویت ملی در مطالب درسی را نشان می‌دهد. بر این اساس، ۳۷/۸ درصد مرتبط با فولکلور، داستان و ضرب‌المثل‌های ایرانی، ۱۳/۴ درصد مفاخر و اسطوره‌های ملی و ۱۲/۲ درصد اظهار عشق و ارادت به ایران بوده است. نتایج مرتبط با سایر مقوله‌ها در جدول زیر مندرج است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی مؤلفه‌های فرهنگی هویت ملی در کتاب‌های فارسی (۲)

درصد	فراوانی	مؤلفه‌های هویت ملی
۳/۷	۳	آیین‌ها و آداب و رسوم ایرانی
۷/۳	۶	نمادها و سمبل‌های ایرانی
۳۷/۸	۳۱	فولکلور، داستان و ضرب‌المثل ایرانی
۱۳/۴	۱۱	مفاخر و اسطوره‌های ایرانی
۳/۷	۳	اماکن و جغرافیای ایران
۱۲/۲	۱۰	اظهار عشق و ارادت به ایران
۹/۸	۸	مفاخر ملی جمهوری اسلامی ایران
۳/۷	۳	آیین‌های مرتبط با انقلاب اسلامی ایران
۸/۵	۷	مفاخر، اسطوره‌ها و تاریخ کهن ایران
۱۰۰	۸۲ (۳)	جمع

جدول شماره ۴، مؤلفه‌های مرتبط با هویت دینی را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی است که ۷۳/۵ درصد از مطالبی که در آنها هویت دینی دیده شده، مرتبط با باورها و اعتقادات دینی، ۹/۶ درصد تاریخ پیامبران و ۱۸/۴ درصد آیین‌ها و آداب و شیوه زندگی اسلامی بوده است.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی و درصد مؤلفه‌های هویت دینی در کتاب‌های فارسی

درصد	فراوانی	مؤلفه‌های هویت دینی
۷۳/۵	۶۱	باورها و اعتقادات دینی (اسلامی)
۸/۴	۷	آیین‌ها، آداب و رسوم، احکام و شیوه زندگی
۹/۶	۸	تاریخ پیامبران
۳/۶	۳	مفاخر، اسطوره‌ها، نمادها و اماکن
۴/۸	۴	سیره پیامبر اسلام (ص)
۱۰۰	۸۳	جمع

جدول شماره ۵ مؤلفه‌های هویت مذهبی را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه

می‌شود، باورها و اعتقادات مذهبی (شیعی) با ۵ مورد پس از مقوله‌های دیگر در کتاب‌ها دیده شده است و به مؤلفه‌های دیگر، هر کدام تنها یک مورد اختصاص یافته است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی و درصد مؤلفه‌های هویت مذهبی در کتاب‌های فارسی

مؤلفه‌های هویت مذهبی	فراوانی
باورها و اعتقادات مذهبی	۵
مناسک و آیین‌ها	۱
رویدادهای تاریخی	۱
سیره ائمه اطهار (ع)	۱
اماکن و بناها	۱
مفاخر و اسطوره‌ها	۱
جمع	۱۰

عکس‌های کتاب‌های فارسی

جدول شماره ۶، میزان عکس‌های مرتبط با مؤلفه‌های هویتی را نشان می‌دهد. بر این اساس ۵۲/۱ درصد عکس کتاب‌های فارسی با مؤلفه‌های هویتی ارتباط داشته و مابقی بدون ارتباط بوده‌اند. در جدول شماره ۷ نیز نوع هویت عکس‌هایی که واجد مؤلفه‌های هویتی بوده‌اند، ارائه شده است، بر این اساس ۵۰/۷ درصد عکس‌ها هویت دینی دارند که عمدتاً حجاب اسلامی در آنها دیده شده است. ۳۴/۸ درصد عکس‌ها نیز مرتبط با هویت ملی (جمهوری اسلامی، پیش از انقلاب اسلامی و ایران باستان) بوده‌اند. میزان عکس‌های مرتبط با هویت مذهبی ۴/۷ درصد و هویت محلی ۳/۳ درصد بوده است.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی و درصد ارتباط عکس‌ها با مؤلفه‌های هویتی

مؤلفه‌های هویت ایرانی	فراوانی	درصد	مقوله‌ها	فراوانی	درصد
هویت ملی (جمهوری اسلامی)	۳۶	۱۳/۳	با مؤلفه‌های هویت ارتباط دارد	۲۷۰	۵۲/۱
هویت ملی (پیش از انقلاب اسلامی و مرتبط با ایران باستان)	۵۸	۲۱/۵	با مؤلفه‌های هویت ارتباط ندارد	۲۴۸	۴۷/۹
هویت دینی	۱۳۷	۵۰/۷	جمع	۵۱۸	۱۰۰
هویت مذهبی (شیعی)	۱۲	۴/۷			
هویت محلی	۹	۳/۳			
ترکیبی از هویت‌ها	۱۸	۶/۵			
جمع	(۴)۲۷۰	۱۰۰			

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی محتوای کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی در سال ۹۴-۱۳۹۳ پرداخته شده است. هدف تحقیق، شناخت میزان ارائه مؤلفه‌های هویت ایرانی در این کتاب‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا بوده است. در ادامه به جمع‌بندی و تحلیل یافته‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

مطالب تمام کتاب‌های فارسی درسی مقطع ابتدایی ۲۴۶ مورد بوده است که تقریباً در دو سوم آن (۶۱ درصد)، مؤلفه‌های هویت ایرانی ارائه شده و در مطالب دیگر این مؤلفه‌ها دیده نشده‌اند. چنانچه مطالب حاوی مؤلفه‌های هویتی را به‌عنوان کل مطالب مبنای محاسبه قرار دهیم، بیش از ۵۰ درصد مؤلفه‌های هویت ملی و نزدیک به همین میزان (۴۳/۳ درصد)، مؤلفه‌های هویت دینی (اسلامی) بوده‌اند. یعنی بیشتر مطالب کتاب‌های بررسی شده، مرتبط با مؤلفه‌های هویت ایرانی و اسلامی بوده‌اند. در مقابل مؤلفه‌های هویت مذهبی (شیعی) ۳/۳ درصد بوده است. بررسی عکس‌ها نیز نشان می‌دهد، بیشتر عکس‌ها مرتبط با هویت اسلامی و ملی بوده‌اند. البته برخلاف مطالب درسی که هویت ایرانی، بیش از هویت اسلامی انعکاس داشته است، در عکس‌ها، مؤلفه‌های هویت دینی (با ۵۰/۷ درصد) بیش از هویت ملی (با ۳۴/۸ درصد) مشاهده شده است. علت آن نیز مقوله پوشش اسلامی (با ۴۷ درصد) است که هویت دینی را در عکس‌ها بیشتر می‌کند.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که عناصر هویت ایرانی - اسلامی در کتاب‌های فارسی برجستگی داشته‌اند این بخش از یافته‌های تحقیق مؤید نتایج پژوهش جعفرزاده است وی با بررسی پژوهش‌هایی که تا سال ۱۳۸۸، هویت ملی را در کتاب‌های درسی بررسی کرده‌اند، به این نتیجه می‌رسد که مؤلفه‌های ملی و دینی هویت ایرانی، همچون زندگی مشترک و طولانی تاریخی ایرانیان، در این کتاب‌ها با هم سازگاری دارند. براساس بخش دیگری از یافته‌های تحقیق هویت‌های مذهبی یعنی باورها و اعتقادات، مناسک و مفاخر مذهبی شیعی در کتاب‌های درسی بازتاب ناچیزی داشته است. بازتاب ناچیز مؤلفه‌های هویت مذهبی در مقایسه با هویت اسلامی، در جامعه‌ای که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، حاکی از تأکید بر مبانی وحدت بخش با هموطنان اهل تسنن است.

یادداشت‌ها

- ۱- در اثر حاجبانی، مؤلفه‌های مرتبط با هویت تعریف عملیاتی و با روش کمی، اندازه‌گیری شده‌اند. از این‌رو در تعریف عملیاتی متغیرها، به تعریف‌های اثر مذکور، استناد شده است.
- ۲- پرواضح است که هویت ملی از مؤلفه‌های بسیاری شکل می‌گیرد و محدود به مقوله‌های این جدول نیست. مقوله‌های این جدول و سایر جداول مقاله حاضر، عمدتاً مرتبط با مؤلفه‌های فرهنگی هویت است که در کتاب‌های فارسی مشاهده شده است و در واقع، در کتاب‌های مذکور، سایر عناصر هویتی، بازتاب نداشته‌اند.
- ۳- مبنای درصددگیری رقم ۸۲ یعنی تمام مطالب درسی است که در آن مؤلفه‌های هویت ملی دیده شده است. علت اختلاف جزئی ارقام این جدول با جدول قبلی این است که در آن جدول، هویت غالب در نظر گرفته شده یعنی ممکن است در این درس، دو یا سه مؤلفه هویتی (دینی، ملی و مذهبی) وجود داشته که از میان آن، فقط هویت برتر و غالب لحاظ شده است.
- ۴- مبنای درصددگیری رقم ۲۷۰ یعنی تعداد عکس‌هایی است که در آنها مؤلفه‌های هویتی دیده شده است.

منابع

- آشنا، حسام‌الدین؛ روحانی، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، ش ۴، ص ۱۸۵-۱۵۷.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹)؛ *قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت*، ج ۲، تهران، نی.
- ----- (۱۳۸۸)؛ *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- الطائی، علی (۱۳۷۸)؛ *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: نشر شادگان.
- باردن، ریچارد (۱۳۷۴)؛ *تحلیل محتوا*، ترجمه محمد یمینی‌دوز سرخابی و ملیحه آشتیانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۸۹)؛ «کتاب‌های درسی و هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۱، ش ۴۲، ص ۳۱-۵۴.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶)؛ *میانی‌شناسه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- شمشیری، بابک؛ نوشادی، محمدرضا (۱۳۸۶)؛ «بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی»، *مطالعات برنامه درسی*، سال دوم، ش ۶، ص ۵۱-۷۸.
- منصوری، علی؛ فریدونی، آریتا (۱۳۸۸)؛ «تبلور هویت ملی در کتب درسی، بررسی محتوایی کتاب‌های دوره ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۰، ش ۳۸، ص ۲۶-۴۷.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷)؛ *رسانه‌ها و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳)؛ *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- هاشمی، سیدضیاء؛ قربانعلی‌زاده، مؤده (۱۳۹۳)؛ «هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۵، ش ۶۰، صص ۴۹-۷۱.
- Hall, Stuart (1997); *Representation, Cultural Representation and Signifying practices*, London: Sage publication.
- Watson, James and Hill, Anne (2006); *Dictionary of media and communication studies*, 7th. Edition. London: Hodder Arnorld publication.